

نقل قول خبر

**جعفر قادری**
نماینده مجلس

روحیه مردمی دولت برای حضور در مناطق محروم و رصد مشکلات مردم قابل تقدیر است. واکنش سریع و ورود بهنگام دولت برای حل مسائل و مشکلات و روحیه انتقادپذیری از ویژگی های مثبت دولت سیزدهم است که حل مشکلات معیشتی را تسریع خواهد کرد.

**موسی احمدی**
نماینده مجلس

زمانی که شرکت‌های دانش بنیان تقویت شوند، اشتغال‌زایی هم اتفاق می افتد و فشار تحریم‌ها گرفته می‌شود، برخی از شرکت‌های ما برای مواداولیه به خارج از کشور چشم داشتند. چون تحریم بودیم دور زدن تحریم‌هزینه بالایی را برای این شرکت‌ها ایجاد می‌کرد.

**حسن محمدیاری**
نماینده مجلس

اگر مدیریت کارا وجود داشته باشد به جای اینکه مانع تراشی کنیم، مانع‌زدایی خواهیم کرد و خیلی از کم و کاستی‌ها مرتفع خواهد شد. گاهی اوقات عدم‌مدیریت صحیح و درست می‌تواند باعث خیلی از عقب‌ماندگی‌ها باشد.

دفاعی

صنعت دفاعی ترسیم‌کننده ایران مقتدر است

مهر/ امیر سرتیپ آشتیانی، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با بیان اینکه نیروهای مسلح به‌عنوان سربازان ولی امر مسلمین نقش بسزایی در تقویت جامعه اسلامی دارند، گفت: ریشه و فرهنگ ما برگرفته از فرهنگ عاشورایی است، لذا مجموعه صنعت دفاعی در ترسیم آینده ایران مقتدر و دستیابی به اهداف متعالی نقش بسزا و مسئولانه‌ای خواهد داشت. وی همچنین با تأکید بر نقش مؤثر تک تک کارکنان مجموعه دفاعی در پایداری و استحکام نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، افزود: با توجه به نهادینه‌شدن اندیشه دین‌محوری، خودباوری و خوداتکایی در بدنه صنعت دفاعی به‌معنای واقعی کلمه، اقدامات و مأموریت‌های این سازمان با تفکر، انضباط و اثربخشی بهتری انجام و اهداف راهبردی آن محقق می‌شود. امیر سرتیپ آشتیانی در ارتباط با اینکه چشم‌مظلومان عالم و مستضعفان

دنیا به نظام اسلامی است، گفت: امروز تفکر اسلامی، مقاومت و ایستادگی جامعه اسلامی در برابر ظلم در دل ملت‌های جهان ریشه دوانیده و زمینه‌های ایجاد اسلامی مهیا شده است.



هسته‌ای

صنعت هسته‌ای؛ پیش‌ران پیشرفت

ایرنا / سیدمصطفی خوش‌چشم‌با‌اشاره به دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در صنعت هسته‌ای، گفت: صنایع هسته‌ای یکی از پیش‌ران‌های علم و اقتصاد کشور و همینطور یکی از مولفه‌های قدرت به‌ویژه در حوزه علوم و فنون و همچنین در حوزه بازآرندنگی است. وی اضافه کرد: قطب‌کشورهایی که از تکنولوژی هسته‌ای بر‌خوردار هستند، در زمان حال و آینده جزء قدرت‌های بزرگ و تعیین‌کننده جهان هستند. به همین دلیل کشورهایی که‌اشراف‌کامل‌بر تملکی حوزه‌های این صنعت دارند، در دنیا انگشت‌شمار هستند. این کارشناس مسائل بین‌الملل یادآور شد: از آنجایی که کشور ما در ۴دهه گذشته مخاطب طرح‌های خصمانه آمریکا و غرب بوده، سعی کرده‌اند که این صنعت را به‌عنوان یک مولفه و پرورنده سیاسی – امنیتی برای ما مطرح کنند و متعاقب آن، واکنش‌هایی که از طرف ایران به این قضیه صورت گرفته‌است و افکار عمومی در ایران و جهان، وجهه سیاسی – امنیتی این مولفه قدرت را به شکل برجسته‌ای می‌بینند. وی با تأکید بر اینکه تکنولوژی و صنعت هسته‌ای می‌تواند مولد و پیش‌ران اقتصادی کشور باشد، افزود: صد‌ها کالا از این تکنولوژی و صنعت هسته‌ای ساخته می‌شود که فقط یک قلم آن که رادیودار و هاستند اگر با سرمایه‌گذاری مناسبی توأم باشد، می‌تواند کل بودجه مورد نیاز صنایع هسته‌ای ما را بدون اینکه نیازی به بودجه دولتی باشد، حاصل کند. وی ادامه داد: به‌عبارت دیگر این صنایع می‌تواند توانمندی را به لحاظ اقتصادی در کشور ایجاد کند به‌ویژه اینکه صادرات کالاهایی مانند رادیودار و هاقابل تحریم نیست و در جهان نیاز ویژه‌ای به این نوع کالاهای وجود دارد. خوش‌چشم گفت: بنابراین در گام بعدی با توجه به حضور دانشمندان جوان کشور در برخی سطوح سازمان، این امید وجود دارد که مردم بیشتر با جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و توانمندسازی کشور توسط این صنایع آشنا شوند تا متوجه بشوند که ارزش واقعی این صنعت در چه سطحی است.

سیاسی



راهبردهای اصلاح‌طلبان برای رهایی از سردرگمی

اصلاح‌طلبان هنوز نمی‌دانند که چه برنامه‌ای را باید برای آینده طرح‌ریزی کنند و آیا فرصت تغییر را می‌توانند پیدا کنند؟

گزارش

صفیه رضایی

روزنامه‌نگار

گروهی توسعه‌گرایی تعریف می‌کنند، گروهی آن را پال چپ نظام سیاسی می‌دانند و... تا این تعاریف مختلف از اصلاح‌طلبی وجود دارد، هویت اصلاح‌طلبی معشوش است و چشم‌اندازی برای رسیدن به انسجام وجود ندارد. البته شاید حضور دوباره بهزاد نبوی در جبهه اصلاحات با برگزاری یک کنگره رسمی و علنی و به بحث گذاشتن این مسئله، راهی برای جمع‌بندی تشکیلاتی باشد که آنها تدبیر کرده‌اند.

به علاوه اینکه انتخاب نبوی با وجود عدم تمایل وی، مورد انتقاد رسانه‌های اصلاح‌طلب نیز واقع شد. تا جایی که شش‌رق پس از این رویداد نوشت: «انتخاب نبوی یعنی خبری از تغییر نیست». این روزنامه حامی جریان اصلاح‌طلب آنها را متهم به باختن در قمار حمایت از روحانی خوانده است، باختی که نتیجه آن از دید این روزنامه، «فروریختن سرمایه به‌هم‌ریختگی درون جریانی، عدم مشروعیت، و بی‌اعتمادی عمومی به تکرارها» بوده است. با وجود چنین اعتراضی به‌نظر می‌رسد تنها نگاه عمومی نسبت به اصلاح‌طلبان ناامیدکننده است که درون جریان اصلاحات نیز ناامیدی موج می‌زند. هر چند این نخستین بار نیست که اصلاح‌طلبان به محافظه‌کاری تشکیلاتی روی آورده‌اند که پیش‌تر نیز ابزار مصادره اشخاص، مهره‌چینی و فرصت‌انگاری را به کار برده‌اند. ابرهم نکو، نماینده ادوار مجلس در این زمینه معتقد است که «مشکل اصلاح‌طلبان این است که خودشان را می‌بازند و احساس می‌کنند که مثل لشکر شکست خورده دچار خسارات زیادی شده‌اند و دنبال بازسازی خود هم نیستند. الان اصلاح‌طلبان پایگاه‌های خود را دست داده و دچار سردرگمی هم شده‌اند. آنها احساس می‌کنند از جانب جناح مقابل برای آنها محدودیت ایجاد شده و زمانی هم که در قدرت بودند جناح مقابل مانع موفقیت آنها شده است اما تا زمانی که اصلاح‌طلبان احساس سرخوردگی کرده و دنبال اصلاح ساختاری و روش‌های خود نباشند به مرور دچار فروپاشی می‌شوند و اقبال عمومی را از دست می‌دهند.»

زن‌چیره سردرگمی

موضوع چالش درونی جریان اصلاحات تنها به اینجا ختم نمی‌شود. آشوب‌های فکری و درونی در قالب کارگزاران که پیش از این

در گزارشی مفصل تحت عنوان «کارگزاران و بحران مشروعیت» به آن پرداختیم نیز بر سر زبان‌هاست؛ بحران درون حزبی ناشی از تشتت آراء، دعوت از محمد هاشمی و عدم تمایل وی، کناره‌گیری کرباسچی و اما و اگر‌ها برای تقویت درون حزبی این انگاره را در ذهن ساخته و پرداخته است که این حزب خانوادگی با مشی آریستو کراتیک و الیگارشیک دیگر در جبهه‌بندی قوی نیست و اقبال عمومی را نیز ندارد. به‌نظر می‌رسد که تا رنجیخه این حزب را باید در صندوقه خانوادگی سرمایه‌داران موند آن گناشت‌ا و ماجرای رهبری جریان اصلاحات که مدام از جانب آنها مطرح می‌شود را به‌طور کامل به فراموشی سپردا چرا که احزاب درون این جریان هر یک با هم اشتقاق دارند. البته دلیل طرح این مبحث در این نوشتار، رد صحبت سعید نورمحمدی، عضو شورای مرکزی ندای ایران‌ایران است که چند هفته پیش اعلام کرده بود اصلاحات باید تک حزبی شود؛ به گفته وی روند ادغام می‌تواند باعث توسعه درون حزبی و برون حزبی جریان اصلاحات شود. البته نورمحمدی به این مسئله اشاره کرده است که اختلاف کارگزاران و اتحاد ملت، ایده تک حزب‌سازی اصلاح‌طلبان را از بین می‌برد؛ چرا که این دو حزب، اختلافات زیادی بر سر شرکت با عدم شرکت در انتخابات داشتند. با این حال نورمحمدی معتقد است اینها اختلافات فکری نیست و خیلی از این اتفاقاتی که پیش آمده اختلافات بین افراد است. گفته‌های وی در حالی است که آذر منصوری، دبیر کل حزب اتحاد ملت ایران تأکید کرده که «ما با کارگزاران اختلاف داریم». منصوری گفته است که «ما در انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ با اینکه تلاش کردیم ائتلاف اصلاح‌طلبان حول یک تصمیم واحد باشند، اما به‌دلیل اختلاف تحلیل، تصمیم واحد اتخاذ نشد.»

با این همه، این مسئله از سوی اصلاح‌طلبان به وضوح بیان نمی‌شود که معرفی ادغام حزبی نیز تنها ابزار رهایی از سردرگمی است که مدت‌هاست بر آنها سایه افکنده است. در واقع بلا تکلیفی جمعی اصلاح‌طلبان از پایان عمر دولت گذشته بیشتر شد؛ آنها نفهمیدن بعد از یک دوره حمایت از دولت تدبیر و امید و نوسانات پس از آن با انتخاب ۱۴۰۰ چه کنند، به‌عبارتی نتوانست‌اند بازی‌سازی سیاسی کنند؛ چرا که

دست پری نداشتند که اعلام کنند؛ بعد از آن هم که در انتخابات شکست خوردند این شکست را در انتخابات ۱۴۰۰ بر گردن احزاب صلاحیت‌های شورای نگهبان انداختند. در واقع آنها بین آمدن و نیامدن در انتخابات، حمایت از کاندیداهای خود یا تحریم انتخابات دچار خلأ سناریوسازی شده بودند که در نهایت به سردرگمی و آشفتگی درون سیستمی منتهی شد.

تحریم انتخابات از سال ۲ قبل از انتخابات

اکنون هم که ۲ سال به انتخابات مجلس باقی مانده است با طرح تحریم انتخابات آینده عملاً می‌خواهند خود را بازنده اصلی انتخابات آینده معرفی کنند! این رویکرد به‌طور قطع ناشی از ضعف سیستمی و آشوب‌فکری است که بین آنها عمیق شده است؛ نمونه دیگر از ضعف ساختاری و نبود اجماع میان آنها را در استعفای الیاس حضرتی از حزب اعتماد ملی نیز مشاهده کردیم. نامه سرگشاده حضرتی نیز نشان‌دهنده ناامیدی عمیق است. همچنین ناشی از یک بحران حل نشده بین این جریان است که قطعا به‌صورت زنجیروار همه آنها را متاثر می‌کند. در این میان، طبیعی است که از ابزارهایی چون بحث ادغام حزبی، دعوت از قدیمی‌ترها، عضوگیری‌های جدید و جوان‌گرایی یا متهم کردن اسوگرایان و خرده‌گیری به آنها استفاده کنند. در واقع این نوع رویکردها یک نوع دست و پا زدن است با این تفکر که آیا باید برای انتخابات ۱۴۰۲ تدبیری اندیشیده شود یا بر فرض تدبیر و به‌کارگیری روش خاص، اصلاً با اقبال عمومی روبه‌رو می‌شوند یا خیر؟

به‌نظر می‌رسد که جریان اصلاحات در بین گرایش به محافظه‌کاری و در پیشگیری رادیکالیسم دنباله‌دار، دست و پا می‌زند. اصلاح‌طلبان هنوز نمی‌دانند که چه برنامه‌ای را باید برای آینده طرح‌ریزی کنند و آیا فرصت تغییر را می‌توانند پیدا کنند؟ در واقع به‌دنبال این هستند بستر پوست‌اندازی برای خود ایجاد کنند؟

به‌نظر می‌رسد درون جریان اصلاحات این نگاه قوی است که آنها نمی‌توانند تغییری ایجاد کنند، بنابراین متمم به سرمایه‌سوزی هستند و بعد به‌نظر می‌رسد که بتوانند خود را احیا کنند؛ از این‌رو سربل سردرگمی آنها حداقل برای ۱سال آینده ادامه خواهد داشت.

استانداردهای دوگانه آمریکا در مواجهه با حقوق بشر

حقوق بشر

خانه ملت/ احمد نادری، نماینده مجلس، در واکنش به تعلیق عضویت روسیه در شورای حقوق بشر و چشم‌پوششی این کشور بر جنایت‌های رژیم صهیونیستی، گفت: حقوق بشر ابزاری برای پیش‌بردن قدرت بوده که توسط غربی‌ها ایجاد شده است که در فضای پس از جنگ جهانی اول گفتمان حقوق بشر شکل گرفت و پس از جنگ جهانی دوم این گفتمان نهادینه شد. از آنجایی که قدرت دست آمریکایی‌ها بود، توانستند گفتمان خود را در جهان نهادینه کنند.

وی بیان کرد: این گفتمان اساسا ابزاری برای اتهام‌زنی به مهاجران افغانی هستند درحالی که این عناصر تکفیری در هر جایی ممکن است باشند، تصریح کرد: رسانه‌های داخلی هم نباید مردم عادی و مهاجران را به‌عنوان تکفیری و تروریست تلقی کنند بلکه نهادهای مربوطه باید اینگونه افراد را دقیقاً شناسایی کنند و مانع ورود این افراد به مرزهای شرقی ایران باشند.

قطع رابطه‌ای که عامل خیر شد

به گزارش سرویس سیاسی همشهری، ۲۰ فروردین سالروز قطع رابطه سیاسی ایران و آمریکا است. روز ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ جیمی کارتر، رئیس‌جمهوری آمریکا طی دستور قطع روابط سیاسی و بازگانی با جمهوری اسلامی ایران را اعلام کرد. این دستور که همام پس از تسخیر لانه جاسوسی در تهران توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام صادر شد، عکس‌العمل جدید دولت آن کشور در برابر گروگانگیری دیپلمات‌های آمریکایی در ایران بود. کارتر در سخنان خود درباره قطع رابطه با ایران گفت: «... مطالبات شاکیان آمریکایی و شرکته‌ها، از اموال مسدود‌شده ایران در آمریکا برداشت خواهد شد و مسئولیت بحران با شورای انقلاب ایران است که خود را پشت سر دانشجویان پنهان می‌کند. اگر گروگان‌ها آزاد نشوند، تصمیمات شدیدی علیه ایران اتخاذ خواهد شد و آمریکا باهم‌پیمان خود اقدامات مقتضی به عمل خواهد آورد. هیچ‌ویزای جدید برای ایرانیان صادر نخواهد شد و کلیه ویزاهای صادر شده پس از بحران باطل است.»

در پی این تصمیم، از یک‌سو دفتر امام خمینی (ره) اعلام کرد: «ظرف امام در مورد گروگان‌ها عوض نشده و مثل گذشته سفارت و گروگان‌ها تا تشکیل مجلس شورای اسلامی و تعیین سرنوشت آنها توسط وکلای مردم در دست دانشجویان باقی خواهد ماند» و از جانب دیگر امام خمینی خود بیانیه جداگانه‌ای در این رابطه منتشر کردند. امام در این پیام با اشاره به انتشار خبر دستور کارتر برای پایان روابط سیاسی ایالات متحده با ایران گفته بود: «گر کارتر در عمر خود یک کار خیر کرده باشد، همین قطع رابطه است.»

البته موضوع قطع روابط سیاسی و اقتصادی آمریکا با ایران، ۲ ماه پیش از صدور دستور کارتر، در قطعه‌نامه ارائه شده از سوی آمریکا به شورای امنیت سازمان ملل پیش‌بینی شده بود. در آن قطعه‌نامه که در ۲۴ بهمن ۱۳۵۸ به شور ارائه شد آمریکا خواستار اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی و قطع رابطه با ایران به‌دلیل تسخیر سفارت آمریکا شد. این درخواست در کنفرانس کشورهای صنعتی غرب نیز مطرح شده بود، ولی رایزنی‌های هیأت‌نماینده‌ی ایران در سازمان ملل و همچنین و توشدن قطعه‌نامه پیشنهادی آمریکا توسط اتحاد جماهیر شوروی باعث شد دولت جیمی کارتر در اتخاذ تصمیم برای قطع مناسبات سیاسی و بازرگانی با ایران تنها بماند.

همچنین کارتر پیش از قطع رابطه با ایران، چند مرحله اقدامات سیاسی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران به عمل آورده بود. در نخستین عکس‌العمل، روز ۲۲ آبان ۱۳۵۸ دستور توقیف کلیه دارایی‌های ایران در بانک‌های آمریکایی و شش‌ه‌های خارجی آن را صادر کرد و خرید نفت از ایران را متوقف ساخت. در ۱۳ آذر، ۱۵ عضو شورای امنیت تحت فشار آمریکا به اتفاق آراء قطعه‌نامه شماره ۴۵۷ را در محکومیت اشغال سفارت آمریکا در تهران منتشر کردند. ارجاع موضوع گروگانگیری به دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه از دیگر اقدامات آمریکا بود. رای این دیوان نیز روز ۲۴ آذر علیه ایران صادر شد و ۱۵ قاضی این دادگاه به اتفاق آراء جمهوری اسلامی ایران را بدلیل تصرف سفارت آمریکا محکوم کردند.

در مردی ۱۳۵۸، شورای امنیت سازمان ملل تحت فشار آمریکا قطعه‌نامه ۴۶۱ را در موضوع مجازات‌های اقتصادی علیه ایران تصویب کرد و از ۱۷ دی به ایران مهلت داد تا گروگان‌های آمریکایی را آزاد کند. علاوه بر این بسیاری از مفسران آمریکایی نیز از نیروی موسوم به «واکنش سریع» که در ۱۱ دی ۱۳۵۸ به دستور کارتر در خلیج فارس شکل گرفت به‌عنوان عکس‌العمل واشنگتن در مقابل واقعه سفارت آمریکا در تهران یاد کردند. با این همه، دستور قطع رابطه با ایران ۱۷ روز قبل از مداخله نظامی آمریکا در منطقه طیس با هدف آزادسازی گروگان‌ها اتخاذ شد. جیمی کارتر پس از صدور فرمان قطع رابطه، در سخنانی اعلام کرد دیپلمات‌های ایرانی ۲۴ ساعت فرصت دارند خاک آمریکا را ترک کنند. در مجموع، دولت آمریکا فشارهای زیاد و شدیدی را بر حاکمیت انقلابی وارد آورد و تمام ابزارهای ممکن برای صنعت تا بتواند اعضای دستگیر شده سفارت خود در ایران را به آمریکا بازگرداند، اما با ایستادگی دانشجویان پیرو خط امام و حمایت‌های امام خمینی این اقدامات ناکام ماند و نهایتاً آمریکا را بر آن داشت که گزینه عملیات نظامی برای آزادی گروگان‌ها را در دستور کار قرار دهد. لازمه این کار قطع روابط سیاسی ۲ کشور بود که در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ از سوی کاخ سفید به اجرا درآمد. این اقدام به نوعی اعلام شکست دیپلماسی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی بود و در عین حال سودی برای دولت آمریکا نداشت. تقاطعاتی مگر آمریکایی‌ها مبنی بر از سرگیری روابط یا دست‌کم مذاکرات ۲ کشور طی دهه‌های گذشته مؤید این مدعاست. گرچه مقابله با سلطه آمریکا در ایران یکی از شعارها و اهداف انقلاب اسلامی بود و این روند با اشغال سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ یکی از فرازهای مهم و سرنوشت‌ساز خود را پشت سر گذارد، اما قطع روابط ۲ کشور اقدامی بود که از سوی دولت آمریکا صورت پذیرفت.

خبر

عملیات قهرمانانه فلسطین، بطلان اقدامات سازشکارانه

مجمع جهانی بیداری اسلامی در پی وقوع حوادث اخیر در تل‌آویو که منجر به کشته و مجروح شدن چند صهیونیست شد، طی بیانیه‌ای، ضمن تبریک حماسه آفرینی جوانان غیور و عزتمند فلسطینی به ملت فلسطین تأکید کرد: جنایات گسترده رژیم صهیونیستی علیه ملت مظلوم فلسطین، منجر به ایستادگی و مقاومت روزافزون آنان در برابر اقدامات جنایتکارانه و اجرای نقشه‌های شوم رژیم صهیونیستی با حمایت آمریکا و برخی کشورهای مرتجع منطقه و سازشکاران گردیده که نشانه‌های آن را در عملیات قهرمانانه اخیر در تل‌آویو می‌توان مشاهده کرد که از عمق نفوذ و اقتدار جبهه مقاومت در سرزمین‌های اشغالی و بطلان اقدامات سازشکارانه حکایت دارد و پیام روشنی است که دوران بزن در رو به پایان رسیده و پاسخ اقدامات این رژیم در جایی که تصور نمی‌کنند داده خواهد شد.

این عملیات قهرمانانه و شکست متفضحانه در برابر مجاهدان فلسطینی نیز بار دیگر ضعف، درماندگی و سردرگمی رژیم صهیونیستی و دستگاه‌های نظامی و امنیتی را بیش از پیش آشکار ساخته است.